

بدعت بودن عید غدیر خم^۱

مطلب اول: حدیث غدیر خم

زید بن ارقم رضی الله عنه می گوید: روزی پیامبر صلی الله علیه و آله کنار آبی که به آن خم گفته می شد و بین مکه و مدینه بود میان ما برخاست و خطبه ای ایراد کرد، حمد و ثنای خدا را به جا آورد، برای مردم موعظه و پند داد، سپس فرمود: «أما بعد، ألا أيها الناس! فإنها أنا بشر يوشك أن يأتي رسول ربي فأجيب، وأنا تارك فيكم ثقلين: أولهما كتاب الله، فيه الهدى والنور، فخذوا بكتاب الله، واستمسكوا به» فحث على كتاب الله ورغب فيه. ثم قال: «وأهل بيتي، أذكركم الله في أهل بيتي، أذكركم الله في أهل بيتي ...» الحدیث.^۲

اما بعد، ای مردم! من مثل شما انسان هستم، ممکن است مأمور و فرستاده خدای من برای قبض روح بیاید و من هم تسلیم شوم، در میان شما دو چیز ارزشمند و با قیمت ترک خواهم کرد: اول کتاب خدا قرآن، که در آن هدایت و نور می باشد، آن را بگیرد و به آن چنگ زیند. در مورد قرآن توصیه زیاد کرد و تشویق و ترغیب نمود، سپس فرمود: و اهل بیت من، در مورد اهل بیت من خدا را به یاد شما می آوردم سه مرتبه آن را تکرار کرد، الی آخر حدیث.

براء بن عازب رضی الله عنه می گوید: در مسافرتی با رسول خدا صلی الله علیه و آله بودیم در غدیر خم پیاده شدیم، برای اقامه نماز ندا برآمد، برای پیامبر صلی الله علیه و آله زیر دو درخت جارو زده شد، نماز ظهر

۱- غدیر خم میان مکه و مدینه در جحفه قرار دارد.

۲- رواه احمدی مسنده، (۳۶۶/۴-۳۶۷) رواه مسلم فی صحیحه، (۱۸۷۳/۴)، حدیث شماره

(۲۴۰۸)، و سنن دارمی، کتاب فضائل القرآن، باب فضل من قرأ القرآن.

را خواند و دست علی علیه السلام را گرفت و گفت: «ألستم تعلمون أنى أولى بالمؤمنين من أنفسهم؟» قالوا: بلا. قال: «ألستم تعلمون أنى أولى بكل مؤمن من نفسه؟» قالوا: بلى. قال: فأخذ بيد علي فقال: «من كنت مولاه فعلى مولاه، اللهم وال من والاه، وعاد من عاداه» قال: فلقى عمر بعد ذلك فقال له: هنيئاً يا ابن أبى طالب! أصبحت وأمسيت ولى كل مؤمن ومؤمنة»^۱.

آیا می‌دانید که من برای مسلمانان باید از خودشان مقدم‌تر و سزاوارتر باشم؟ گفتند: بله، فرمود: آیا می‌دانید که من برای هر مؤمنی از نفس خودش سزاوارتر و شایسته‌تر و مقدم‌تر هستم؟ گفتند: بله. سپس پیامبر صلی الله علیه و آله دست علی علیه السلام را گرفت و گفت: هر کس من را دوست دارد باید علی را نیز دوست داشته باشد، پروردگارا هر کس علی را دوست می‌دارد او را دوست داشته باش و هر کسی با او دشمنی می‌ورزد با او دشمن باش. بعد از آن عمر رضی الله عنه به علی علیه السلام رسید و به او گفت: مبارک باشد ای ابن ابیطالب، برای همیشه دوست هر زن و مرد مسلمانی شدی.

حاکم در المستدرک از زیدبن أرقم رضی الله عنه روایت می‌کند که می‌گوید: با پیامبر صلی الله علیه و آله بیرون رفتیم تا به غدیر خم رسیدیم، دستور داد که مکان و جایی خنک برایش تهیه شود، در روزی که تا به حال چنین گرمایی را مشاهده نکرده بودیم جایی برایش جارو شد، سپس پیامبر صلی الله علیه و آله حمد و ثنای خدا را به جا آورد و گفت: «يا أيها الناس! إنه لم يبعث نبى قط إلا ما عاش نصف ما عاش الذى كان قبله، وإنى أوشك أن أدعى فأجيب، وإنى

۱- رواه احمد فى مسنده، (۲۸۱/۴) و رواه الترمذى مختصراً فى سننه، (۲۹۷/۵)، حدیث شماره ۳۷۹۷) و گفته: حدیث حسن غریب است، و رواه ابن ماجه فى سننه، (۴۳/۱)، مقدمه؛ حدیث شماره (۱۱۶). بوضیری در زوائد ابن ماجه ۱ / ۱۹ گفته: سند این حدیث ضعیف است.

تارک فیکم ما لن تفضلوا بعده: کتاب الله عزّ وجلّ» ثم قام فأخذ بيد علیؑ فقال: «یا أیها الناس! من أولى بکم من أنفسکم؟ قالوا: الله ورسوله أعلم. قال: «من کنت مولاہ فعلی مولاہ»^۱.

ای مردم! هر پیامبر که مبعوث شده است نصف پیامبر قبل از خود زندگی کرده است، و من نیز ممکن است فراخوانده شوم و دعوت را اجابه کنم، در میان شما چیزی را برایتان جا خواهم گذاشت که بعد از آن هرگز گمراه نمی شوید: کتاب خدا قرآن، سپس دست علیؑ را گرفت و گفت ای مردم! چه کسی برای شما از خودتان سزاوارتر و شایسته تر می باشد؟ گفتند: خدا و رسولﷺ او بهتر می دانند، فرمود: هر کس مرا دوست دارد باید علی را نیز دوست داشته باشد.

مطلب دوم: اولین کسی که این بدعت را ایجاد کرد

اولین کسی که بدعت عید غدیر خم را ایجاد کرد معزالدوله بن بویه بود که در سال ۳۵۲ ه در بغداد^۲ آن را بوجود آورد.

ابن کثیر در حوادث سال ۳۵۲ ه می گوید: در دهم ذی الحجه از این سال معزالدوله بن بویه دستور داد بغداد را زینت دهند و ظاهر آن را بیارایند، و بازارها را در شب نیز

۱- رواه الحاكم فی المستدرک، (۵۳۳/۳)، کتاب معرفة الصحابة و رواه الإمام احمد بطرق كثيرة (۱/ ۴۸، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۵۲، ۳۳۰...) که بعضی ها خارج از ضعف نیستند، و برخی از راویان آن شیعه می باشند. به البداية والنهاية، (۵/۲۳۴-۲۴۰ و ...) مراجعه شود.

۲- بغداد پایتخت عراق است که کنار رود دجله قرار دارد، منصور خلیفه ی عباسی نخستین شخصی است که در سال ۱۴۹ هجری شهرسازی را در آن شروع کرد. به معجم البلدان ۱/ ۴۵۶-۴۶۷ و تاریخ بغداد خطیب بغدادی مراجعه شود.

مانند عیدها باز کنند، بوقها و نی‌ها را بزنند، در کنار در منزل امرا و افسران به منظور شادی عید غدیر آتش روشن کنند، زمان عجیب و مشهوری بود و بدعتی خیلی زشت و منکری آشکار بود.^۱

مقریزی می‌گوید: بدان که عید غدیر، عیدی مشروع نیست، و هیچ کدام از ائمه‌ای که به آنها اقتدا می‌شود چنین چیزی را نشناخته‌اند، و اولین کسی که چنین چیزی را در اسلام اضافه کرد معزالدوله بن بویه در عراق بود، در سال ۳۵۲ آن را به وجود آورد و شیعه‌ها^۲ از آن زمان آن را عید قرار دادند.^۳

عید غدیر خم از اعیاد و موسم‌هایی است که عبیدی‌ها - یاری‌دهندگان بدعت - آن را برپا می‌کنند و شدیداً بر آن محافظت می‌نمایند، این کار را به این هدف انجام می‌دهند تا شیعه بودن و محبت خود برای آل بیت که ادعای انتساب به آنها را دارند ثابت کنند!^۴

۱- به البدایة والنهایة، (۲۷۲/۱۱) مراجعه شود.

۲- فرقه‌ی که گمان می‌کنند پیرو علی هستند، و گفته‌اند: پیامبر خدا به امامت و خلافت او تصریح کرده است، و امامت از فرزندان علی بیرون نمی‌شود مگر اینکه دیگران بر آنها ظلم نمایند. و گفته‌اند: امامت قضیه‌ی مصلحتی نیست که هر طور خواستند در آن تصرف کنند بلکه قضیه‌ی اصولی و رکن دین است. به الملل والنهل شهرستانی صفحه: ۱۴۶ و مقالات الإسلامیین ۱/ ۶۵ و الفرق بین الفرق، صفحه: ۱۵-۱۷ مراجعه شود.

۳- به الخطط والآثار، (۳۸۸/۱) مراجعه شود.

۴- به الخطط والآثار، تألیف مقریزی، (۴۹۰/۱) مراجعه شود.

اولین جایی که این مراسم عید بدعت در آن جا برپا شد در هیجدهم ذی‌الحجه سال ۳۶۲ ه در مصر بود.^۱

مطلب سوم: حکم این عید

شکی نیست که قرار دادن هیجدهم ماه ذی‌الحجه بعنوان عید و موسمی از موسم‌هایی که مردم آن را جشن می‌گیرند، و با آمدن آن به شادی می‌پردازند، و در آن عبادت‌هایی مانند آزاد کردن برده، و ذبح و قربانی و غیره انجام می‌دهند این کارها بدعت و باطل می‌باشند، و پایه و اساس این کارها باطل است و گمان می‌کنند پیامبر ﷺ در روز هیجدهم ماه ذی‌الحجه سال دهم هجری از حجة الوداع برمی‌گشت و در مکانی به نام غدیر خم به خلافت علی ابن ابیطالب ﷺ توصیه کرد.

بسیار روشن و واضح است کسانی که این عید بدعت را بوجود آورده‌اند و آن را تعظیم می‌نمایند شیعه هستند، آنها این عید را از عید فطر و عید قربان بزرگ‌تر و فاضل‌تر می‌دانند و آن را عید الأكبر می‌نامند.^۲

شیخ الإسلام ابن تیمیه - رحمه الله - در بیانات خود که از انواع عیدهای زمانی مبتدع سخن می‌گوید، بعضی از بدعت‌های اعیاد مکان و افعال را شامل بدعت‌های زمانی می‌داند و می‌گوید:

نوع دوم: مکانی است که حادثه‌ای در آن روی داده است همانطور که در غیر آن روی می‌دهد، بدون اینکه این حادثه باعث شود آنجا را موسم قرار دهیم، سلف صالح هم آن را تعظیم نمی‌کردند، مانند هیجدهم ماه ذی‌الحجه، که پیامبر ﷺ هنگام برگشتن

۱- به الخطط و الآثار، تألیف مقریزی، (۴۸۹/۱) مراجعه شود.

۲- به مختصر التحفة الإثنی عشریه، تألیف آلوسی، ص (۲۰۸) مراجعه شود.

از حجة الوداع در غدیر خم خطبه‌ای ایراد فرمودند، پیامبر ﷺ در آن خطبه به پیروی از کتاب خدا توصیه کرد، و سفارش کردند که اهل بیت ایشان را دوست داشته باشند، همانطور که امام مسلم در صحیح خود آن را از زید بن أرقم رضی الله عنه روایت می‌کند.^۱

بعضی از کسانی که اهل هوا و هوس هستند در آن چیزهایی اضافه کرده‌اند، حتی گمان می‌کنند که پیامبر ﷺ با نص صریح و آشکار خلافت علی رضی الله عنه را اعلام کرده است، بعد از آنکه مکان بلندی را برای او فرش می‌کند و او را آنجا می‌نشانند، و سخنان و عمل‌هایی را بیان می‌کنند که چنین چیزهایی اصلاً نبوده و روی نداده است، و گمان می‌کنند که صحابه‌ها این نص را کتمان کرده‌اند، و حق او را غصب کرده‌اند، و همه آنها به جز افراد کمی فاسق و کافر شدند. با تأمل به عادت‌هایی که خداوند بنی‌آدم را بر آن قرار داده است، و امانت و دیانتی که اصحاب داشتند، و آنچه که شریعت اسلام از بیان حق بر آنها واجب گردانیده است، با علم یقین می‌توانیم بیان کنیم که برگزاری چنین روزی بعنوان عید و جشن کاری ایجاد شده می‌باشد و هیچ اصل و اساسی ندارد. هیچ یک از سلف صالح نه از اهل بیت رسول الله ﷺ و نه غیر آنها چنین روزی را بعنوان عید اعلام نکرده و نگرفته‌اند، تا در آن روز کاری و عبادتی انجام دهند. چون عیدها شریعت و قانونی از قانون‌های خداوند می‌باشند، پس لازم است از آن پیروی و اتباع کرد نه ابتداع و بدعت را ایجاد نمود. پیامبر ﷺ خطبه‌های فراوان و پیمان‌ها و حوادث زیادی در ایام مختلف دارند: مثل روز بدر، حنین، خندق، فتح مکه، زمان هجرت، داخل شدنش به شهر مدینه، و خطبه‌های فراوان دیگری که در آنها قواعد و قوانین دین را بیان کرده است، و اینها سبب نشده‌اند این ایام را عید گرفت، بلکه مسیحی‌ها این کارها را انجام می‌دهند؛ آن کسانی که ایام حوادث عیسی علیه السلام را عید می‌گیرند، و یا

۱- رواه مسلم فی صحیحہ، (۴/۱۸۷۳)، کتاب فضایل صحابه، حدیث شماره (۲۴۰۸).

یهودی‌ها این کارها را انجام می‌دهند. عید چیزی است که شریعت آن را تعیین می‌نماید، آنچه شریعت آن را قرار دهد از آن باید پیروی شود و الا نباید چیزی که در دین نیست به آن اضافه کرد.^۱

شیخ الإسلام ابن تیمیه - رحمه‌الله - فتوا داده‌اند که قرار دادن روز هیجدهم ماه ذی‌الحجه بعنوان عید بدعت است، سلف صالح آن را انجام نداده‌اند و آن را مستحب ندانسته‌اند، و این موسم و زمان، موسمی غیر شرعی می‌باشد، و از جمله بدعت‌ها به شمار می‌رود والله اعلم.^۲

۱- به اقتضاء الصراط المستقیم، (۲/۶۱۳-۶۱۵) مراجعه شود.

۲- به مجموعه فتاوی شیخ الإسلام ابن تیمیه، (۲۵/۲۹۸) مراجعه شود.